



## شاگردان رازی

زکریای رازی به گونه‌ای است که انتظار پرورش شاگردان بسیار در علوم مختلف به‌ویژه طب، فلسفه، کیمیا، نجوم و ... توقع بی‌جایی نیست اما مراجعه به کتب تاریخ علم پاسخ‌گوی این خواسته نیست و تعداد شاگردان او چندان زیاد نمی‌باشند.

شاید علت این امر گم شدن افراد در تاریخ و یا مفقود شدن اسناد در طول زمان و یا بلایای دیگر باشد که نتیجه‌اش برآورده نشدن این انتظار است. سؤالی که محققان و دانش‌پژوهان باید به آن پاسخ گویند.

از نکات مهم دیگر که شاید پاسخی به سؤال فوق باشد، این است که رازی طول عمر زیادی نداشت. از آن گذشته و بعضی علوم را در سنین بالا به فراگیری نشست. دیگر این که، سفرهای گوناگون و عشق به مطالعه و دیدار با دانشمندان زمان خود در نقاط مختلف و کشورهای گوناگون فرصت آموزش کافی و تعلیم متعلمان را به او نمی‌داد و به همین دلیل، علی‌رغم انتظار مطروح، تعداد زیادی شاگرد از او به یادگار نمانده است. در هر صورت، همان‌گونه که اشاره رفت، این موضوع می‌تواند از مسایل مهم پژوهشی درباره رازی باشد که امید است در آینده توسط رازی‌شناسان و پژوهشگران تاریخ علم به آن پرداخته شود.

روش آموزشی رازی در کلاس درس به‌گونه‌ای بوده که شاگردان در ردیف‌های مختلف و پشت

یکی از معیارهای سنجش دانشمندان بزرگ و به‌ویژه علمای درجه یک، میزان شاگردپروری آن‌ها است. این معیار به‌گونه‌ای است که با میزان علم، تعداد تألیفات، ابتکارات جدید و حتی پرداخت نظریات نو مقایسه می‌شود و آن را مبنای توان انتقال علم به نسل دیگر می‌دانند.

یکی از لطیفه‌های علمی که در مورد بعضی از بزرگان علم گفته می‌شود، مربوط به پرورش شاگردان است. در این زمینه این‌گونه نقل می‌شود که فلان عالم هنرش این است که شاگرد بهتر از استاد تحویل می‌دهد. به عبارت دیگر، این عالم را آن قدر قوی و دارای توان آموزش بالا می‌دانند که شاگردانی عالم‌تر از خود تربیت کرده است.

این ویژگی در مورد بعضی از علمای قرن حاضر نیز قابل رؤیت است که نمونه آن مرحوم آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد است. ایشان از فقه‌های درجه اول قم و هم عصر و هم مباحثه امام خمینی و از اساتید درجه اول قم بود. ایشان هرگز به مقام مرجعیت نرسید و از مراجع تقلید قم به حساب نیامد اما شاگردان او که کم هم نبودند به مقام مرجعیت رسیدند و اکثر مراجع فعلی قم از زمره آنان هستند و از کلاس درس آن بزرگ فیض برده‌اند. گسترش دامنه کمی و کیفی علوم محمدبن

رفتی اندر معالجت و من هم برای ایشان می‌روم.» (۲)  
از ابوالقاسم مقانعی و کیفیت درس خواندن او  
نزد رازی اطلاعاتی در دست نیست (۲).

## ۲ - محمدبن یونس

رازی در آغاز کتاب الاسرار می‌گوید که آن‌چه  
او را بر تألیف این کتاب انگیزخته خواهش یکی از  
شاگردان جوان او از اهل بخاری به نام محمدبن  
یونس بوده است. رازی می‌گوید که این جوان عالم  
به ریاضیات و علوم طبیعی و منطقی بوده و بسیار  
او را خدمت کرده و به گردن او حق دارد. بنابراین،  
او این کتاب را که به شاهان و امیران هدیه نکرده  
است به او هدیه می‌کند و سپس وعده می‌دهد که  
کتاب سرالاسرار خود را نیز بدو هدیه نماید (۳).

## ۳ - ابوبکر بن قارن رازی

ابوبکر بن قارن رازی، از پزشکان حاذق که داستان  
سفر استادش حکیم رازی به خراسان (برای درمان  
بیماری سخت امیر سامانی) و معاینه پسر رئیس  
نیشابور را هم او روایت کرده است. شاید شاگردی  
که بیرونی می‌گوید برای معالجه رازی از طبرستان  
به ری آمد، همین ابن قارن باشد (۴).

## ۴ - یوسف بن یعقوب

رازی رساله درباره چشم و درمان و مداوای آن  
و ترکیب دواهای مورد نیاز آن را برای یوسف بن  
یعقوب نوشته است (۵).

## ۵ - ابوغانم طیب

ابوحیان توحیدی در بیان نگره استادش  
ابوسلیمان منطقی سبختانی درباره «پیوند میان  
دین و فلسفه» گوید وی شریعت را از فلسفه جدا  
دانست، آن‌گاه به تألیف آن دو با هم انگیزته شد  
که این شبیه به مناقضت اصل اول است. فلذا یکی

سر هم می‌نشستند و رازی درس را با گفت‌وگو با  
آنان مطرح می‌کرده است. کتاب فیلسوف ری در  
این زمینه چنین می‌گوید:

«محمدبن حسن وراق از اهالی ری که مجلس  
درس رازی را دیده چنین نقل می‌کند که محضر  
تدریس رازی چنین بود که یک ردیف از شاگردان  
در برابر او می‌نشستند و پشت سر آنان، ردیفی دیگر  
از شاگردان و هم چنین پشت سر ردیف دوم، ردیف  
سوم قرار داشت. رازی وارد می‌شد و مطلب علمی  
مربوط به آن درس را به نخستین ردیف که مواجه  
بودند، در میان میان می‌گذاشت، اگر آنان آن مطلب  
را می‌دانستند و بیان می‌کردند فیها وگرنه پاسخ  
سؤال را به ردیف بعدی محول می‌کرد و اگر آنان  
بیان می‌داشتند فیها وگرنه به ردیف بعدی و اگر همه  
در می‌ماندند، خود به سخن می‌پرداخت و معضلات  
را حل می‌نمود.» محتمل است کتابی که ابن ابی  
اصبغه به نام «خواص التلامیذ» شاگردان ویژه به  
رازی نسبت داده حاوی نکات تعلیم و تدریس و  
چگونگی تربیت دانشجو و محصل بوده است (۱).

مهم‌ترین شاگردان رازی که نام آن‌ها در تاریخ مانده،  
عبارتند از: ابوالقاسم مقانعی، محمدبن یونس، ابوبکر بن  
قارن رازی، یوسف بن یعقوب، ابوغانم طیب، ابوالحسن  
طبری و یحیی بن عدی که در این‌جا به معرفی بسیار  
مختصر هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم.

## ۱ - ابوالقاسم مقانعی

ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری در کتاب  
«هدایة المتعلمین» می‌گوید: «وهر چه این‌جا یاد می‌کنم  
آن است که آزموده من است و اما آن‌چه مرا بوی  
تجربیت نیست یاد نکنم. من شاگرد ابوالقاسم مقانعی‌ام  
که او شاگرد محمدبن زکریا بود و استاد من برای وی

از اصحاب ابوبکر محمدبن زکریای رازی فیلسوف، بدان تناقض گویی در موضوع مزبور تازش برد و او ابوغانم طبیب بود که از ری به بغداد آمد و در مورد این تناقض با ابوسلیمان مناظره کرد، او را به تنگ آورد و ملزم ساخت که قول خود را انکار کند (۶).

#### ۶- ابوالحسن طبری

احمدبن محمد از مردم طبرستان (۳۶۰ - ۲۹۰ ق) پزشک دانشور، که در ری زیسته و در نزد حکیم رازی درس خوانده است. گویند در بدایت امر پزشک ویژه ابوعبدالله بریدی (۳۳۲ ق) والی اهواز بوده، که پس از مرگ وی طبیب دربار رکن الدوله ابوعالی حسن بن بویه دیلمی (۳۶۶ - ۳۲۰ هـ) شده است. ابوالحسن طبری با وزاری مشهور بویان ابن العمید و فرزندش ابوالفتح و صاحب بن عباد طالقانی پیوند داشته است (۷).

#### ۷- یحیی بن عدی

مسعودی پس از بیان مسیر تدریجی فلسفه و منطق در مراکز علمی مانند آتن و اسکندریه و حران و بغداد می گوید: «در این روزگار کسی را در این مطالب نمی شناسم که بتوان بدو رجوع نمود مگر مردی از مسیحیان در مدینه السلام (بغداد) که به ابوزکریا ابن عدی معروف است و آغاز کار و اندیشه و روش تدریس او روش محمدبن زکریای رازی یعنی اندیشه فیثاغوریان در فلسفه اولی است. از این بیان به دست می آید که یحیی بن عدی به نحوی از دانش رازی برخوردار شده است و حتی برخی از دانشمندان تصریح کرده اند که او طب و منطق را نزد رازی خوانده است (۸).

ابن ندیم می گوید که در زمان ما ریاست اصحاب علم به ابوزکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریای منطقی منتهی می گردد و او نزد ابو بشرمتی بن یونس و جماعتی دیگر درس خوانده است و مذهبش مذهب

نصارای یعقوبی است. او در استنساخ کتب یدی طولایی داشت. دو نسخه از تفسیر طبری را با خط خود نوشت و برای ملوک اطراف فرستاد و کتابهایی که از متکلمان نوشته به شمار در نمی آمده است و حتی در زمان بیهقی بسیاری از آثار فارابی به خط ابوزکریا یحیی بن عدی در کتابخانه نقیب النقا در ری موجود بوده است (۸).

یحیی بن عدی آثار فراوانی از خود به جا گذاشته که نام آن ها در کتب اصحاب تراجم آمده است. او هم مانند رازی روش ضدارسطویی داشته چنان که مقاله ای در مخدرات نوشته و در آن به ابطال کتاب القیاس ارسطو پرداخته است. این مقاله چنان مورد توجه قرار گرفته که گفته می شده ابوالخیر بن خمار و ابوعلی بن زرعه به حسرت دیدن آن جان داده اند (۸).

وفات یحیی بن عدی در سال سیصد و شصت و چهار اتفاق افتاده است (۸).

در پایان، تکرار این گفته ضروری است که با توجه به وسعت علوم رازی تعداد شاگردان او باید بیش از این باشد که در پژوهش های بعدی توسط پژوهشگران قابل پی گیری است.

#### دکتر سیدمحمد صدر

##### منابع

۱. محقق م. فیلسوف ری، چاپ سوم، تهران، طلوع آزادی، ۱۳۶۸، ص ۲۷
۲. همان، ص ۲۵
۳. همان، ص ۲۷
۴. اذکابی پ. حکیم رازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳، ص ۹۹
۵. همان، ص ۹۹
۶. همان، ص ۹۹
۷. همان ص ۹۹
۸. محقق م. فیلسوف ری، چاپ سوم، تهران، طلوع آزادی، ۱۳۶۸، ص ۲۴ - ۲۳